

## ارائه‌ی یک مدل پارادایمی از مراجعه‌ی زنان به فالگیر در شهر زاهدان

مصطفی ظهیری نیا\* یاسر رستگار\*\* سیما هادی\*\*\*

### چکیده

با گذشت زمان و تغییرات جوامع، برخی معرفت‌های تاریخی و باستانی چون فال به کلی از بین رفته و به‌رغم مردود اعلام‌شدن از سوی گفتمان رسمی جامعه، فال حضوری پررنگ در حاشیه داشته و افرادی به تناسب موقعیت‌های زندگی‌شان به فالگیر مراجعه می‌کنند. این پژوهش به دنبال شناسایی دلایل و زمینه‌های مراجعه‌ی افراد به فالگیر است. میدان مطالعه، شهر زاهدان بوده است؛ شهری با پیچیدگی‌های فرهنگی، تنوع زبانی، مذهبی و قومی که از آن بستری متمایز ساخته است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر ۱۲ نفر از مراجعه‌کنندگان به فالگیرها بوده‌اند که به‌صورت نیمه ساختاریافته با آنها مصاحبه شده و سپس داده‌های حاصل با استفاده از کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و گزینشی تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که شرایط زمینه‌ای اشاره به بحران‌های زندگی فرد دارد که فرد به دنبال رفع آن است. درماندگی و تلاش‌های ناکام افراد، شرایط علی را به وجود می‌آورد که فرد را ناگزیر از مراجعه می‌سازد. شرایط مداخله‌گر به‌صورت کاتالیزورها و موانع مراجعه در میدان عمل می‌کند. مقوله‌ی هسته‌ی پژوهش نیز «باورمندی مشروط-منفعلانه» است؛ بدین ترتیب در سیستم معنایی افراد، فال به‌صورت امری مشروط به فرد، زمان و دیگری و همراه با نوعی انفعال معنا شده است.

### واژگان کلیدی

فال، فالگیر، مدل پارادایمی، نظریه‌ی زمینه‌ای، زاهدان.

\* عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان (mozan542@yahoo.com)  
\*\* استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان (نویسنده مسئول) (yaser.rastegar62@gmail.com)  
\*\*\* کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان (h.sima1367@gmail.com)  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۶

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

از دیرباز، انسان برای شناخت جهان و هستی خود، سازوکارهای مختلفی را آزموده است. محدودیت‌های او در شناخت رویدادهای غیرمترقبه و به‌ویژه در برابر بلایا، رنج‌ها و مصائب زندگی، به اهمیت شیوه‌هایی به ظاهر غیرعقلانی در کشف و پیش‌بینی پیچیدگی‌های عالم منجر شده است. از این‌رو تلاش‌های انسان برای شناخت خویش، اجتماع و طبیعت به شکل‌گیری علوم مختلف منجر شده است. شکل‌گیری فرهنگ نیز از تلاش انسان برای شناخت جهان و انتقال این شناخت به دیگران ناشی می‌شود. در طول تاریخ، تحولات مختلفی نسبت به حوزه‌های دانش رخ داده است که هر حوزه بیانگر شناخت جهان انسانی است (رحمانی، ۱۳۹۲: ۱۹-۱). دانستن رخدادهای آینده از بزرگترین دغدغه‌های فکری بشر در طول تاریخ بوده است؛ ترس از حوادث و رخدادهایی که در آینده به وقوع خواهد پیوست موجب شد که آدمی به دنبال پیشگویی و کشف رازهای آینده باشد. بنابراین تفأل قدمتی به اندازه‌ی عمر بشر دارد (قنبری، ۱۳۹۴: ۱۷۶-۱۴۹). فال و فالگیری نوعی پیشگویی به‌شمار می‌رود، که به شکل‌ها و روش‌های مختلف از گذشته تاکنون رواج داشته و مردم در مواقع مختلف به آن روی می‌آوردند. آیین‌های جادوگری در میان اقوام مختلف، بیانگر خصیصه‌ی مشترک اعتقاد به ماوراءالطبیعه در میان آنهاست. آینده و نامعلوم‌بودن آن موجب شده است که ماوراءالطبیعه برای انسان‌ها پرنگ شود و کارکردهای مختلفی برای آن قائل شوند، زیرا آگاهی از حوادث آینده با پدیده‌های جوی صورت می‌گرفت (باقری حسن‌کیاده و حشمتی، ۱۳۹۳: ۲۴-۱). با کشف اسرار طبیعت، باور انسان‌ها به نیروهای ماورایی کم‌رنگ و به حاشیه رانده شد. انسان سعی داشت، با تسلط بر مظاهر طبیعت، نیروهای ماورایی را که همیشه در زندگی‌اش اثرگذار بود، کنترل کند و از این طریق جریان زندگی‌اش را کنترل کند و همچنان که در گذر زمان، شناخت انسان از پدیده‌های اطرافش بیشتر می‌شد، باورهای انسان از شکل ماورایی‌اش فاصله می‌گرفت، اما انسان‌ها نتوانستند همه‌ی اسرار طبیعت را کشف کنند؛ در نتیجه ناشناخته‌ها همچنان در زندگی بشر باقی ماند و هنوز پدیده‌های ماورایی در حیات او ایفای نقش می‌کند. با حرکت جوامع به سوی توسعه و تغییرات ناشی از آن، در نظام ارزشی و باورهای حاکم چالش‌هایی به‌وجود آمد و ارزش‌های سنتی و معرفت‌های تاریخی و باستانی چون فال با ارزش‌های مدرن در تقابل قرار گرفتند. در این مواجهه، باورهای باستانی کم‌رنگ‌تر شده و در بعضی موارد به حاشیه رفته است اما به علت ریشه‌داربودن در فرهنگ و باورهای افراد به کلی از زندگی بشر رخت برنستند و نقش و کارکردهای خود را در تعاملات و کنش‌های روزمره در نواحی آن فرهنگ حفظ کردند. از همین رو انسان‌ها در جریان زندگی روزمره‌شان به‌صورت نزدیک و ملموس یا از دور و به شکل غیرملموس با پدیده‌ی فال در ارتباط باقی ماندند.

از لحاظ نظری، فالگیری یک سازه یا نوعی تولید اجتماعی است. این پدیده همواره وجود داشته است، اما در هر دوره از تاریخ، متناسب با شرایط خاص آن دوره، برای این پدیده معنای فرهنگی و کارکرد اجتماعی خاص وجود داشته است. فالگیری کنشی است که معنای آن در بستر اجتماعی و زمینه‌ی فرهنگی‌اش شکل می‌گیرد. در عین حال، پدیده‌ی فالگیری با کلیت زندگی اجتماعی ما در ارتباط است (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۲). این پدیده همیشه به‌عنوان معرفتی حاشیه‌ای در زندگی بشر وجود داشته و به حیات خود ادامه داده است، اما در سال‌های اخیر با چاپ و ترجمه‌ی کتاب‌های متنوع درباره‌ی فالگیری، گسترش و تنوع روش‌های فالگیری، پذیرش اجتماعی این پدیده، مراجعه‌ی افراد مختلف و حتی با تحصیلات دانشگاهی به آن و طرد آن توسط گفتمان رسمی نشان می‌دهد، اخیراً این پدیده نقش ویژه‌ای در زندگی روزمره‌ی مردم پیدا کرده است (نوذری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۰-۱۶۱). اگرچه کنش فال در نگاه اول ممکن است امری شخصی به‌نظر آید؛ زیرا یک فرد کنشگر سراغ فالگیر می‌رود و معانی ذهنی برای فال قائل است، اما امر مراجعه به فالگیر کنشی اجتماعی نیز هست زیرا افراد مختلفی درگیر آنند و کنش فرد در ارتباط و تأثیرگذار در دیگران است در نتیجه با حوزه‌ی عمومی جامعه مرتبط است، باور و زمینه‌ی مراجعه در شرایط اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی که فرد در آن قرار دارد شکل و قالب می‌یابد، بنابراین باید فال را به‌مثابه امری اجتماعی در نظر گرفت که معنی و مفهوم خاصی دارد. شهر زاهدان بافت فرهنگی ویژه‌ای دارد و حضور گروه‌های قومی و دینی مختلف در آن بستری متمایز و زمینه‌ای خاص ایجاد کرده است. فالگیری در تعاملات غیررسمی افراد جاری است و زنان زیادی از جهت فکری و عملی با آن درگیرند. در بازار زاهدان افرادی به‌عنوان دعانویس مشغول به کار هستند که بعضی از آنها فال طالع، سرگذشت، زندگی فرد را می‌گیرند و ستاره‌ی فرد را می‌سنجند. مطالعات اکتشافی و مقدماتی محقق و گفت‌وگوهای میدانی حاکی از این بود که سازمان‌های دولتی چون شهرداری دخالتی در این پدیده نداشته و فال و زمینه‌های دسترسی به آن در شهر زاهدان فراهم است. در نتیجه هنوز زنان زیادی به فالگیر مراجعه می‌کنند. با وجود این پدیده‌ی فال و دلایل مراجعه‌ی افراد به آن ناشناخته مانده و به حیطه‌ی زندگی خصوصی وارد شده و در لایه‌های پنهان جامعه به حیات خود ادامه می‌دهد. پیچیدگی، چند لایه بودن و حساسیت‌های زندگی شخصی کنشگران با فال گره خورده و تجربه و مواجهه‌ی افراد با این پدیده، فال را به امری خاص و منحصر به فرد تبدیل کرده است؛ لذا کشف و شناسایی میدان فال، مستلزم اتخاذ رویکردی درون‌نگرانه، تفسیری و همدلانه با سوژه‌های مورد مطالعه می‌باشد. سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که زنان مراجعه‌کننده به فالگیر چه درک و تفسیری از فال داشته و دلایل و زمینه‌های مراجعه‌ی آنها چیست؟

## ۲- پیشینه‌ی پژوهش

به‌طور کلی تحقیقات اندکی درباره‌ی فال انجام شده است که هر کدام از آنان جنبه‌های مختلفی از این پدیده را بررسی کرده‌اند؛ از جمله قادرزاده و غلامی تجربه‌های زنان سنندجی از فالگیری را تحلیل کرده‌اند، مقوله‌ی هسته بر ناامنی زندگی زنان دلالت دارد و بیانگر آن است که زنان به دلایلی چون روزمرگی، آینده‌نگری، فشارهنجاری، فقدان حمایت اجتماعی به فالگیری روی می‌آورند و مهم‌ترین پیامدهای فالگیری از نظر زنان، تخلیه‌ی روانی، افسون‌زدگی زندگی و احساس ندامت است (قادرزاده و غلامی، ۱۳۹۴: ۱۲۴-۱۰۷). باقری حسن‌کیاده و حشمتی انواع پیشگویی و طالع‌بینی را در متون ایرانی دوره میانه بررسی می‌کنند که از جمله‌ی آن پیشگویی به وسیله‌ی الهامات، تأثیرات ستارگان و سیارات در روزها و سال‌هاست و متون فال و طالع‌بینی برگرفته از کتاب خطی فالنامه‌ی زرتشی بوده است (باقری حسن‌کیاده و حشمتی، ۱۳۹۳: ۲۴-۱). فاضلی و همکاران به تحلیل گفتمان «صفحه‌ی «ماه به ماه با رازهای خوشبختی» مجله‌ی خانواده‌ی سبز»، پرداخته‌اند. بر مبنای این مطالعه جملات فال، ساختاری چون کلی‌گویی، مثبت‌اندیشی و بیان بدیهیات دارد و مقولاتی چون آینده‌نگری، توصیف مشکلات، توصیف شخصیت، ارتباطات و روابط عاشقانه را به تصویر کشیده است (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۲-۱۳۹). نوذری و همکاران گفتمان فالگیری را با گفتمان علمی مقایسه می‌کنند که بر حسب این دو سازوکار، فال، غیرحقیقی، غیرواقعی و شیادی است و کنشگران آن ساده‌اندیش و فاقد بینش علمی پنداشته می‌شوند. در حالی که، کنشگران گفتمان غیررسمی که اغلب تحصیل کرده هستند به فایده‌مندی فال در زندگی روزمره‌شان اشاره می‌کنند (نوذری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۰-۱۶۱). در مجموع از بین مطالعات انجام‌شده در ایران، تنها یک پژوهش، فال را از منظر افراد درگیر و به شیوه‌ی میدانی واکاوی کرده است.

پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از ایران نیز به جنبه‌های تاریخی فال و پیشگویی توجه بیشتری نشان داده‌اند. بردن پیشگویی در جهان یونان باستان را بررسی کرده است که پیشگویی با استفاده از درک نشانه‌های ارسال شده به‌وسیله‌ی ماوراالطبیعه تفسیر می‌شد و یونانیان آینده‌ای چندگانه -و نه یک پیش‌بینی تعیین‌شده‌ی آینده- را باور داشتند؛ انسان با کمک پیشگویی در تلاش برای انتخاب بهترین است (Beerden, 2014: 23-29). به نظر همیلتون مطلوبیت تحلیل شخصیتی که طالع‌بینی ارائه می‌کند، یکی از تعیین‌کننده‌های پذیرش طالع‌بینی است (Hamilton, 2001: 895-902).

کیم در پژوهشی ادیان غیررسمی در کره‌ی جنوبی را بررسی کرده و اهمیت فال را به‌عنوان یکی از بخش‌های کلیدی و محوری در این گروه‌های شبه دینی بررسی کرده است. به باور او در

کره‌ی جنوبی نیز باورها و اعمال دینی و یا شبه دینی که توسط گروه‌های در حاشیه آن را انجام می‌دهند به‌وسیله‌ی گفتمان رسمی مذهبی رد شده و چندان پذیرفته نشده است. در این پژوهش از پیامدهای گسترده‌ی این ادیان غیررسمی در زندگی مردمان سراسر جهان حکایت کرده و بر این امر تأکید داشته که توجه به فال و فالگیری امری فراطبقاتی، فراثحصیلی و فراسنی است و به عبارت دیگر از همه‌ی طبقات و گروه‌های سنی و تحصیلی به این گروه‌های شبه دینی مراجعه می‌کنند (kim, 2005: 284-302).

کمپ با بررسی نوشته‌های طالع‌بینان رومی چون کلودیوس بطلمیوس<sup>۱</sup> و فرمیوس ماترنیوس<sup>۲</sup>، بیان می‌کند که این نوشته‌ها شامل گزارش‌هایی از منشأ طالع‌بینی شخصیت و ساختار درک‌شده‌ی شخصیت است که به نتایج حاصل از مطالعات تجربی افراد شباهت دارد (Kemp, 1988: 267-272). علی‌رغم تنوع و پیچیدگی‌های پدیده‌ی فال، عمده‌ی پژوهش‌های انجام‌شده، به خود فال، انواع آن و ریشه‌های تاریخی فال پرداخته است و کمتر مراجعه‌کنندگان به فالگیر، تفسیر افراد از فال و زمینه‌های مراجعه، هدف این مطالعات بوده است. همچنین از آنجا که تحقیقات کیفی بسترمند و وابسته به زمینه هستند؛ لذا انجام یک مطالعه‌ی میدانی در بستری ویژه می‌تواند نتایج متفاوت و مقولات متمایزی به‌دست دهد. نکته‌ی دیگری که در این خصوص می‌توان اضافه کرد، این است که رویکرد حاضر در مطالعه‌ی فال، تفسیری است. این رویکرد نگاهی دموکراتیک به دانش‌ها دارد و لذا پذیرش این رهیافت، کمک می‌کند تا در سطحی برابر با دانش‌های عامیانه‌ی مردم روبه‌رو شده تا معارف عامیانه، بهتر فهم و تفسیر شوند. به تعبیر کلیفورد گیرتز، درک ادراک، یعنی اینکه چگونه می‌توان فهم دیگری را درک کرد، هدف رویکرد تفسیری است.

در نهایت اینکه وجه ممیزه‌ی پژوهش پیش‌رو، استخراج یک مدل پارادایمی از میدان مورد مطالعه است. اینکه بتوان مفاهیم و مقولات کشف‌شده که حاصل از معناکاوی و موضع‌گیری کنشگران نسبت به پدیده‌ی فال را در یک ارتباط منسجم قرار داد، امری است که قطعاً می‌تواند درک عمیق‌تری از پدیده‌های فرهنگی-انسان‌شناختی ارائه دهد.

### ۳- چارچوب مفهومی

فال به‌مثابه نمودی معرفت‌شناسانه از اعصار کهن باقی مانده و در منظر بسیاری از اندیشمندان مبتنی بر همین ریشه‌ها، فهم و تفسیر می‌شود. طبق قانون مراحل سه‌گانه‌ی آگوست کنت، بشر

1. Claudius Ptolemy

2. Firmicus Maternus

از سه مرحله‌ی متوالی عبور می‌کند که در مرحله‌ی نخست نمودها را به موجودات و نیروهای قابل قیاس با انسان نسبت می‌دهد، در مرحله‌ی دوم انسان به موجودیت‌های مجرد چون طبیعت متوسل می‌شود، در مرحله‌ی سوم نظم‌ی را بین نمودهای مشاهده‌شده تعیین می‌کند و قوانین حاکم بر طبیعت را می‌شناسد (آرون، ۱۳۸۶: ۹۰). کنت با نظریه‌ی مراحل سه‌گانه‌ی تحول اجتماعی، به ریشه‌های اجتماعی و تاریخی تفکر ماورایی می‌پردازد و به توضیح وجود تفکر فراطبیعی و باور به ماوراء در قالب الهه‌ها و اسطوره‌ها می‌پردازد و این نظریه می‌تواند به توضیح وجود فال به‌عنوان یک پدیده‌ی تاریخی در جامعه‌ی امروز بپردازد. در این نظریه بیان می‌شود که ورود از یک مرحله به مرحله‌ی بعد تدریجی است و همیشه بخشی از بقایای دوره‌ی قبل در دوره‌ی جدید باقی می‌ماند و فال نیز به‌عنوان یک پدیده‌ی تاریخی که در گذشته وجود داشته همچنان در دوران جدید به حیات خود ادامه می‌دهد.

فریزر -انسان‌شناس بریتانیایی- نیز از سه مرحله در تحول دین نام برده است. او در آثار خود، مرزهای بین جادو، دین و علم را ترسیم می‌کند و بیان می‌کند که انسان‌های اولیه بر عالمی که در آن قرار داشتند، کنترلی نداشته و در برابر آن احساس عجز و بی‌پناهی می‌کردند و لذا برای ادامه‌ی زندگی ناگزیر از مهار طبیعت بودند. فهم و تفکر انسان اولیه درباره‌ی عملکرد طبیعت «جادو» نامیده شد (زندیه، ۱۳۸۶: ۴۴-۲۳). شناخت نادرست انسان باعث بی‌ثمری جادو شده بود. انسان متوجه شد که به کنترل نیروهای طبیعت قادر نیست و پدیده‌های طبیعی بدون حضور او ظاهر می‌شوند. بنابراین انسان دریافت، قدرت‌هایی نامرئی فراتر از خودش روند طبیعت را در دست دارند پس انسان به‌سوی دین و مذهب حرکت کرد و از آنها خواست تا بر او رحمت آورند و در سختی‌ها یورش باشند (فریزر، ۱۳۸۷: ۱۲۶ و ۱۲۷). با گذشت زمان انسان دریافت که وقوع حوادث طبیعی وحدت و هماهنگی دارد (زندیه، همان). پیشرفت دانش باعث گسترش نظم و سامان امور شد. با پیش‌روی علم و کشف رازهای طبیعت، علم از لحاظ توضیح طبیعت جای مذهب را گرفت (فریزر، ۱۳۸۷: ۸۱۰ و ۸۱۱). فال نمودی از باور به کنترل زندگی انسان توسط نیروهایی فراتر از خودش است که ریشه در گذشته دارد و با جادو آمیختگی دارد.

دین به‌عنوان یک نظام معرفتی و فرهنگی مهم در دوره‌های مختلف تاریخی حضوری فعال داشته است. از نقطه نظر جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی دین یک واقعیت تاریخی-اجتماعی و نهادی اولیه است (حضرتی‌صومعه، ۱۳۹۵: ۱۲۶ به نقل از فراستخواه، ۱۳۷۷). کلیفورد گیرتس دین را نظامی از نمادها می‌داند که باعث ایجاد خلق‌و‌خو و انگیزه‌های قدرتمند و پایدار در انسان‌ها می‌شود. دین مفاهیمی عام درباره‌ی هستی ایجاد می‌کند و به این مفاهیم واقعیت می‌بخشد. مکانیزم عمل

دین بدین صورت است که این خلق و خوها و انگیزه‌ها واقعی به نظر برسد (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۲۳-۱۰۳، به نقل از Geertz, 1966). نمادهای دینی، موقعیت انسان در جهان را بیان کرده و به آن شکل می‌بخشند. نمادها برای رفتار کردن در موقعیت‌های خاص الگوهایی به انسان‌ها می‌دهند و تمایلات خاصی را به آنها القا می‌کنند. در نتیجه فرد رفتار معینی را از خود نشان می‌دهد و به این ترتیب نمادها، جهان اجتماعی را شکل می‌دهند (همیلتون، ۱۳۹۴: ۲۶۷). زمانی که عقل سلیم نمی‌تواند در طبقه‌بندی‌های خودش یکسری از مسائل را توضیح دهد، این مسئله سبب می‌شود که به سمت عرصه‌ای نمادین رود و دین را به وجود آورد (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۱۷ به نقل از Geertz, 1966). آدم‌ها نیازمند معنابخشی به زندگی هستند و نمی‌توانند جهان را مبتنی بر هرج و مرج و تضاد ببینند. سه تجربه‌ی سردرگمی، رنج و شر باعث می‌شود جهان بی‌معنا جلوه کند، دین با ارتباط این مسائل با قلمرو گسترده‌تری از واقعیت، سعی در معنابخشیدن به جهان دارد (همیلتون، ۱۳۹۴: ۲۶۹-۲۶۷). فرهنگ مواجهه با تهدیدات را برای انسان‌ها امکان‌پذیر می‌کند و به آنان چگونگی عمل را می‌آموزد. معنا را در تجربه‌های عملی زندگی به وجود می‌آورد و تجربه‌های تهدیدکننده را توجیه می‌کند و به انسان‌ها می‌گوید در برابر این تجربه‌ها چه عقیده‌ای باید داشته باشند و انسان‌ها به وسیله‌ی این عقاید عمل می‌کنند (گیویان، ۱۳۸۶: ۲۷-۱). فال می‌تواند شکلی از مواجهه‌ی انسان با این تجربیات باشد و انسان‌ها با قرار گرفتن در این سه موقعیت به سراغ فال بروند، در واقع یکی از راه‌هایی که نظام‌های فرهنگی برای مواجهه با این موقعیت‌ها در اختیار انسان‌ها گذاشته‌اند، مراجعه به فالگیر است.

«مالینوفسکی<sup>۱</sup> فرهنگ را ابزاری تعریف می‌کند که به انسان امکان می‌دهد، به بهترین روش مشکلات محسوس و ویژه‌ای را که در راه ارضای نیازهای خود، به ناچار در محیط خویش با آنها روبه‌رو می‌شود، از میان بردارد. به باور مالینوفسکی نهادها و عناصر منسجم آنها که به دست انسان به وجود می‌آیند، در واقع پاسخ‌هایی هستند به نیازهای ابتدایی و یا نیازهای اشتقاقی و فرهنگی او» (ریویر، ۱۳۸۶: ۷۸). او دین و جادو را متعلق به قلمرو امور مقدس می‌داند، زیرا ویژگی اعجاب و تکریم دارند، اما میان این دو تفاوت قائل می‌شود، جادو را مرتبط با مقاصد ملموس و نتایج مشخص می‌داند، اما مناسک مذهبی چنین مقاصدی را در نظر ندارد و به خاطر خودش اجرا می‌شود. او برای دین و جادو خصلتی تخلیه‌کننده قائل می‌شود و ریشه‌ی آنها را در فشار و تنش‌های عاطفی می‌داند که انسان‌ها را از شر آن رها می‌کند. زندگی انسان نامطمئن و پر از

1. Malinowski

تنش است و در نتیجه‌ی ضرورت زندگی بشری برای رویارویی با این فشارها و تنش‌ها، سراغ دین و جادو می‌رود (همیلتون، ۱۳۹۴: ۸۹ و ۹۰). فال در بستر زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد و در زندگی اجتماعی به حیات خود ادامه می‌دهد و استفاده‌ی مردم از این پدیده بیانگر کارکردهای فال در جامعه است. مهم‌ترین منبع تأثیر فال باورها و عواطف انسانی است. تنش‌ها و مشکلات زندگی انسان را نامطمئن می‌کند و انسان راهی را برای رویارویی با این شرایط و حل آن جست‌وجو می‌کند؛ بنابراین شرایط استرس‌زا، کنش عاطفی انسان‌ها را برانگیخته و فال می‌تواند راهی برای کنترل این شرایط و تخلیه‌ی این فشارها و تنش‌ها تلقی شود.

از نظر براون هر جامعه ساختار درونی ویژه‌ای را برای باورها و عملکردهایش دارد و بر مبنای هنجارها رفتار فرد را قالب‌ریزی می‌کند. براون بر کنش‌های فردی تکیه ندارد و تأکید دارد که روابط افراد جامعه براساس هنجارها تنظیم می‌شود. هنجارها با حفظ اجزای اجتماعی یعنی رسوم، عرف‌ها، باورها و روابط اجتماعی، استواری ساختاری - که براون شرط ضروری بقای هر جامعه می‌انگاشت - فراهم می‌کنند (بیس و پلاگ، ۱۳۸۹: ۷۱ و ۷۲). براون بیان نمادین احساسات را برای بقای جامعه ضروری می‌دانست، از نظر او حتی باورهایی که نادرست به حساب می‌آیند کارکردهای اجتماعی ارزشمندی دارد (همیلتون، ۱۳۹۴: ۱۹۷). براون بر سوییهای عملی و مناسب دین تأکید داشت و باورها و اعتقادات دینی را در درجه‌ی دوم اهمیت می‌داد. مطابق این گزاره، برای براون درستی یا نادرستی و عقلانی و غیرعقلانی بودن فال مهم نبود، بلکه مجموعه اعمال و مناسکی که به فال گره خورده واجد ارزش تحلیلی و شناختی است.

در مجموع می‌توان اظهار داشت، کنت و فریزر در نظریاتشان مراحل تحولی را ترسیم می‌کنند که طبق آن بشر از باورهای کهن و اسطوره‌ای فاصله می‌گیرد و علم و منطق بیشتر بر زندگی حاکم می‌شود، اما هر دو بر این باورند که بقایایی از دوران قبل در زندگی بشر باقی می‌ماند. بنابراین با وجود حاکمیت علم بر گفتمان رسمی جامعه، فال به‌عنوان پدیده‌ی تاریخی نمونه‌ای از بقایای اعصار گذشته در جامعه‌ی جدید به‌شمار می‌رود. فریزر نیز تحول دین را بررسی می‌کند و درهم‌آمیختگی سه حوزه‌ی جادو، دین و علم را آشکار می‌کند. در هر مرحله از رشد فکری در بشر، شناخت او از دنیای اطرافش بیشتر می‌شود و یکی از این سه حوزه، برای او اهمیت می‌یابد. فال و پیشگویی نمودی از باور به کنترل زندگی انسان توسط نیروهای فراتر از خودش بر جریان زندگی است و ریشه و آمیختگی با جادو دارد. گیرتس نگاهی فرهنگی به پدیده‌ی دین و نظام‌های نمادین دارد. از نظر او، دین و نظام‌های فرهنگی انسان را با سه تجربه‌ی سردرگمی، رنج و شر مواجه می‌کنند؛ از این رو فال به‌عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی شکلی از مواجهه‌ی انسان با این سه



موقعیت است. مالینوفسکی و براون از نظریه‌پردازان کارکردگرایی هستند که وجود پدیده‌های اجتماعی را از طریق کارکرد آنها توضیح می‌دهند. فال در بستر زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد و به حیات خود ادامه می‌دهد. فال پاسخی فرهنگی به نیازهای روحی افراد است و بشر برای رهایی از فشارها و تنش‌های عاطفی به سراغ آن می‌رود. براون نیز به نهادها توجه می‌کند و به فرد تکیه ندارد. مناسب برای او در درجه‌ی اول اهمیت بوده و درستی و نادرستی باورها برای او بنیادی نیست. از این منظر، درستی یا نادرستی فال اهمیتی ندارد، بلکه فال و مجموع اعمال و فعالیت‌هایی که با خود به همراه دارد قابل توجه است.

در کنار رهیافت‌های انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی به پدیده‌ی فال و فالگیری - که ذکر آن رفت - می‌توان از منظر فلسفی و به‌ویژه گفتمانی نیز پدیده‌ی فال را واکاوی کرد.

گفتمان، شکلی از کاربست زبان در ارتباط با نهاد قدرت است؛ وجهی مشروع از قدرت است که استمرار حیات آن را ضمانت می‌کند (عضدانلو، ۱۳۸۰)؛ لذا مبحث قدرت و چگونگی مشروعیت‌یابی آن از محورهای کلیدی در این حوزه است. آنچه که کلیدواژه‌ی بنیادین در بحث گفتمان محسوب می‌شود، اهمیت زبان به مثابه مهم‌ترین منبع مشروعیت‌بخش قدرت است. به عبارت دیگر قدرت بیش از هر چیز در زبان نمود می‌یابد و لذا می‌توان با تحلیل زبان، مکانیسم‌های قدرت را شناسایی کرد.

در این میان، میشل فوکو به‌عنوان مطرح‌ترین متفکر این حوزه، تلاش داشت تا دریابد که قدرت و روابط آن چگونه در متون، تولید و بازتولید شده و دانش ویژه‌ی خود را می‌آفریند (ایمان، ۱۳۹۳: ۱۹۴). فوکو معتقد بود که زبان و گفتمان، عاملان و کارگزاران دانش و تاریخ‌اند و لذا معرفت علمی به مثابه قدرت اجتماعی عمل می‌کند و به افراد می‌گوید که چه چیزی مجاز است و چه چیزی مجاز نیست (سیدمن، ۱۳۸۶: ۲۳۸).

بنابراین از این منظر، فال نیز به‌عنوان نوعی از معرفت و دانش عامیانه برآمده از گفتمان‌هاست، اما از آنجا که برخی گفتمان‌ها در تقابل با قدرت قرار می‌گیرند، فال نیز در این تقابل، گفتمانی غیررسمی ساخته و در اجتماعات حاشیه‌ای، پنهان و دور از مرکز، تولید و بازتولید می‌شود.

تلقی این رویکرد ناظر بر این گزاره است که هیچ حقیقتی خارج از گفتمان نیست و همه چیز در درون گفتمان تولید می‌شود. گفتمان بزرگ‌تر از زبان است و کل حوزه‌ی اجتماع را در بر می‌گیرد و نظام‌های حقیقت را بر سوژه‌های اجتماعی تحمیل می‌کند. طی فرایندهای تولید گفتمان برخی از گفتمان‌ها ممنوع یا سرکوب و برخی دیگر پذیرفته می‌شوند (نوذری، ۱۳۸۹: ۱۶۴)؛ لذا گفتمانی که علم و دانش را محور شناخت و معرفت قرار می‌دهد، سایر منابع معرفت عامیانه و غیرعلمی

را کنار می‌نهد. اما این کنارگذاری به معنای حذف و نابودی کامل سایر گفتمان‌ها نیست؛ چراکه می‌تواند در سایر عرصه‌ها و قلمروهای اجتماعی به حیات خود ادامه دهد. به دیگر سخن، میان دو گفتمان رسمی دانش -گفتمان مرکزی و علم‌گرایانه- با گفتمان غیررسمی-مبتنی بر دانش‌های بومی و غیراثباتی- تقابل ایجاد شده و چون گفتمان رسمی، سایر گفتمان‌ها را عاری از حقیقت می‌داند حضور آنها در عرصه‌ی عمومی را بر نمی‌تابد.

در همین راستا، مطالعه‌ی حاضر درصدد است تا برخی از زمینه‌ها و دلالت‌های روی آوردن به گفتمان‌های غیررسمی و حاشیه‌ای معرفت و دانش چون فال را آشکار کند.

#### ۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش‌شناسی نظریه‌ی زمینه‌ای به دنبال شناسایی زمینه‌ها و دلایل زنان مراجعه به فالگیر است؛ چراکه این موارد در شکل‌گیری عمل مراجعه مؤثر است. با توجه به ماهیت موضوع بررسی شده و سؤالات تحقیق، تلاش شد تا با رویکردی اکتشافی تفسیر افراد از فال و دلالت‌های ذهنی آنها از مراجعه، شناسایی و لایه‌های پنهان فال و مراجعه به فالگیر آشکار شود. مصاحبه‌شوندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و با تهیه‌ی راهنمای کلی مصاحبه، مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته با آنها انجام شد. داده‌ها با حضور محقق در میدان تحقیق و مشاهده و مصاحبه با ۱۲ نفر از کسانی که تجربه‌ی مراجعه به فالگیر داشتند، گردآوری شده است. مصاحبه‌شوندگان در محدوده‌ی سنی ۱۸ تا ۴۵ سال بودند. ۷ نفر از آنها متأهل، ۳ نفر مجرد، یک نفر از همسرش جدا شده و یک نفر نیز شوهرش رهاش کرده بود. میزان تحصیلات مصاحبه‌شوندگان از دو کلاس نهضت تا فوق لیسانس متغیر بود. همچنین تنها ۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان خانه‌دار بوده، یک نفر محصل و بقیه‌ی آنها شغل‌های مختلفی چون خیاطی، مغازه‌داری، کار در شیرینی‌فروشی، منشی، حسابداری، معلم و پشتیبانی شبکه داشتند. جمع‌آوری داده‌های میدانی تا اشیاع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها نیز از کدگذاری نظری که مبتنی بر سه مرحله‌ی باز، محوری و گزینشی است، استفاده شد.

جدول ۱. اطلاعات زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان<sup>۱</sup>

ردیف	نام	سن	وضعیت تأهل	میزان تحصیلات	شغل
۱	سلیمه	۴۵	شوهرش رهايش کرده	دو کلاس نهضت	خانه‌دار
۲	راضیه	۴۴	متاهل	سیکل	مغازه‌دار
۳	صفیه	۳۶	متاهل	سیکل	خیاط
۴	زری	۱۸	مجرد	پیش‌دانشگاهی	محصل
۵	هدی	۲۴	مجرد	دیپلم	کار در یک شیرینی‌فروشی
۶	آیدا	۳۱	متاهل	لیسانس	پشتیبان شبکه
۷	مریم	۲۹	مجرد	فوق‌لیسانس	معلم موسیقی
۸	لیلا	۳۵	متاهل	دوم دبیرستان	خانه‌دار
۹	مهسا	۳۴	متاهل	لیسانس	حسابدار
۱۰	الینا	۲۹	متاهل	لیسانس	خانه‌دار
۱۱	ساناز	۲۸	طلاق گرفته	فوق‌لیسانس	منشی شرکت بیمه
۱۲	روجا	۳۰	متاهل	لیسانس	خانه‌دار

### ۵- یافته‌های پژوهش

برای پاسخ به سؤالات تحقیق، ابتدا کدگذاری سه مرحله‌ای مرسوم در نظریه‌ی زمینه‌ای انجام شد و از مفاهیم، مقولات محوری و هسته، به‌دست آمد. شرایط زمینه‌ای مراجعه به فالگیر در ۸ دسته طبقه‌بندی شده است. مقوله‌ی به دست آمده برای شرایط علی، «گریزناپذیری» و مقوله‌ی به‌دست آمده برای شرایط مداخله‌گر، «ترغیبات و ممانعات مراجعه» است. کنش مواجهه‌ی افراد با فال به‌عنوان مقوله‌ی محوری کدگذاری شد. هسته‌ی مرکزی مدل پارادایمی، «باورمندی مشروط و منفعلانه» است که از تفسیر افراد از فال و تفسیر افراد از سرنوشت شکل گرفته است و خصیصه‌ی

۱. جهت حفظ حریم خصوصی افراد از نام واقعی آنها استفاده نشده است و ذکر این نام‌ها در اینجا تنها برای ملموس شدن مصاحبه‌هاست.

اصلی میدان فال را بیان می‌کند. در انتها مدل پارادایمی حاصل ترسیم می‌شود.

#### ۱-۵. شرایط و زمینه‌های مراجعه به فالگیر

برای دستیابی به نظریه‌ی زمینه‌ای نیاز است شرایط و زمینه‌هایی که به میانجی آن کنشگران به فالگیر مراجعه می‌کنند، شناسایی شود تا پس از آن تجربه و تفسیر افراد از پدیده‌ی فال بررسی شود. بسترهای اجتماعی موجب تداوم پدیده‌ی فال می‌شوند. سه نوع شرایط بر مراجعه‌ی افراد به فالگیر اثرگذار بود: شرایط زمینه‌ای، شرایط علی و شرایط مداخله‌گر. این شرایط ناظر بر جنبه‌های عینی و ذهنی مراجعه است؛ همچنین جنبه‌های فردی و اجتماعی مراجعه را آشکار می‌کند.

#### ۱-۱-۵. شرایط زمینه‌ای مراجعه به فالگیر: موقعیت‌های بحرانی

این شرایط ذیل عنوان موقعیت‌های بحرانی مقوله‌بندی شده‌اند. در حقیقت یکی از مهم‌ترین زمینه‌هایی که بستر اولیه برای مراجعه به فالگیر را فراهم می‌کند، بحران‌هایی است که همه‌ی افراد ممکن است به شکل‌ها و گونه‌های متفاوت تجربه و زیست کنند. این موقعیت‌های بحرانی ترکیبی از مشکلات اقتصادی، پزشکی و سلامت، مسائل تحصیلی، کاری و... است. جنبه‌ی عینی در شرایط زمینه‌ای پررنگ‌تر از جنبه‌ی ذهنی آن است. افراد معمولاً در ابتدا شرایط زمینه‌ای را به‌عنوان دلایل مراجعه‌ی خود بیان می‌کردند. شرایط زمینه‌ای، شرایط اجتماعی است که به‌صورت رویداد یا مشکلی فرد را درگیر خودش کرده است و فرد برای خروج از این شرایط، سراغ فالگیر رفته است. همچنین این شرایط بخش زیادی از دغدغه‌های افراد جامعه را می‌تواند بازگو کند. این شرایط در ۸ دسته طبقه‌بندی و در جدول شماره‌ی ۲ آورده شده است.

جدول ۲. شرایط زمینه‌ای مراجعه به فالگیر

مفاهیم	دسته‌بندی	مقوله‌ی عمده
دعوا و اختلاف بین زن و شوهر - اختلاف با خانواده‌ی همسر - قهر و جدایی زن و شوهر - محل خدمت سربازی برادر - بچه‌دار نشدن	مشکلات خانوادگی	موقعیت‌های بحرانی
شکست عشقی - ناراحتی از مجرد و تنها بودن - دانستن انتهای روابط عشقی و احساسی - عدم شناخت از فرد مورد نظر برای ازدواج - دانستن چگونگی و عاقبت ازدواج - بسته بودن بخت	بخت و ازدواج	
گم شدن لپ‌تاپ - گم شدن دوربین - گم شدن پول - دزدیده شدن موتور و ماشین - گم شدن طلا	گم شدن اشیاء	
دانستن آینده‌ی تحصیلی - تصمیم‌گیری برای ادامه دادن یا ندادن تحصیلات	مسائل تحصیلی	
نشناختن بیماری - نتیجه نگرفتن از پزشک	مسائل مربوط به بیماری	
به زندان افتادن دو برادر - ناپدید شدن فرزند - گروگان گرفتن پدر	مسائل قضایی و حقوقی	
سخت بودن شرایط اقتصادی - از دست دادن شغل - دانستن آینده‌ی کاری	مسائل کاری و اقتصادی	
مشکل خرید خانه - جابه‌جایی خانه و عدم شناخت از همسایه‌ها	مشکلات تهیه‌ی خانه	

مهسا ۳۴ ساله که پس از ازدواجش، چند بار به فالگیر مراجعه کرده است، درباره‌ی دلیل مراجعه‌اش می‌گوید: «همون مشکل با شوهرم بود به حدی که دیگه من تصمیم به جدایی گرفتم حتی، واقعاً خیلی اذیتم می‌کنه».

سلیمه ۴۵ ساله در خصوص مراجعه‌ی اولش به فالگیر به ماجرای عشقی برادرش اشاره می‌کند: «برادرم یک دختری رو می‌خواست، پدر دختره اونو داد به خواهرزاده‌اش، دیگه خبر نداشت از برادر من،... برادرم خیلی ناراحت بود، این همسایه که فالگیره تازه آمده بود [این محل]، رفتم پیشش، رفتم و دیگه توضیح دادم برایش که این جوریه شده، اونم کتابی داشت، کتابو باز کرد، گفت...».

لیلا ۳۵ ساله در ابتدای زندگی‌شان وضعیت مالی بدی داشتند، شوهرش بیکار بوده و بنابراین به سراغ گازوئیل فروشی می‌روند، در مورد مراجعه‌اش می‌گوید: «ما این وانت را تازه خریده بودیم گازوئیل کشی می‌کردیم، وضع اقتصادیمون خوب نبود خودت که می‌بینی شغلی نیست کاری

نیست، مجبور بودیم که راه خلاف رو ببریم، چکار کنیم؟ مجبور بودیم همین دخترمم کوچیک بود، بعد رفتیم جا (نزد) فالگیر...».

الینا ۲۹ ساله به رفتارهای عجیب پدربزرگش پیش از شناختن بیماری‌اش اشاره می‌کند: «پدربزرگ من شبا اذیت می‌کرد، راه می‌رفت، می‌گفت دزد اومد، فلان شد، دزدا اومدن، خیلی اذیت می‌کرد، چوب بر می‌داشت به تعداد روانگار دنبال می‌کرد، از فالگیر برای پدربزرگم پرسیدم».

### ۵-۱-۲. شرایط علیّی مراجعه به فالگیر

شرایط علیّی مراجعه به فالگیر، بستری است که ارتباط مستقیم و بی‌واسطه‌ای را برای مراجعه فراهم می‌کند و فرد با قرار گرفتن در این شرایط ناگزیر از مراجعه به فالگیر است. شرایط علیّی به دو دسته‌ی درونی و بیرونی تقسیم می‌شود؛ شرایط علیّی درونی شرایطی است که فرد از درون و به‌صورت حسی و ذهنی ملزم به مراجعه می‌شود (کد «درماندگی»). شرایط علیّی بیرونی شرایطی است که شرایط و عوامل بیرونی باعث مراجعه‌ی فرد می‌شود (کد «تلاش‌های ناکام»). به نظر می‌رسد، افراد با متغیرهای زمینه‌ای متفاوت وقتی در این شرایط قرار می‌گیرند، به دنبال خروج و رهایی از فشار حاصل از این شرایط‌اند و بنابراین به فالگیر مراجعه می‌کنند.

### جدول ۳. شرایط علیّی مراجعه به فالگیر

کد گذاری محوری	کد گذاری باز	
	کد سطح ۱	مفاهیم
شرایط گریزناپذیر	تلاش‌های ناکام	نتیجه نگرفتن از تلاش‌های معمول نیافتن راه دیگر نتیجه نگرفتن از مراجعات قبلی به فالگیر
	درماندگی	سرگردانی در تصمیم‌گیری نگرانی از رخداد‌های آینده به دنبال امید و اطمینان گشتن ناراحتی و تحمل فشار زیاد

## الف. تلاش‌های ناکام

مطالعه‌ی میدانی نشان می‌دهد که مراجعه به فالگیر اولین گزینه‌ی افراد برای حل مشکلشان نیست. آنها ابتدا تلاش می‌کنند تا از طریق راه‌های موجود و رایج (عقلانی) به نتیجه برسند و با نتیجه نگرفتن از آن راه و تلاش‌هایشان سراغ فالگیر می‌روند. قرار گرفتن فرد در شرایط نامطلوب و برطرف نشدن آن شرایط از طریق سازوکارهای عمومی و اولیه در جامعه موجب شده که فرد خود را در شرایط گریزناپذیر تلقی کند. در چنین موقعیتی کوشش‌های پی‌درپی او برای حل مسئله با ناکامی و شکست مواجه می‌شود و او را بیش از پیش در شرایط اضطراب قرار می‌دهد؛ شرایطی که فرد را به تجربه‌ی سازوکارهای جادویی و ماورایی چون فال می‌کشاند.

از روجا ۳۰ ساله که برای کابوس‌های شبانه‌اش سراغ فالگیر رفته و فالگیر به او دعا داده است در مورد مراجعه‌نکردن به روان‌شناس پرسیده می‌شود. او می‌گوید: «یه دوره من /برای کابوس‌های شبانه‌ام/ رفتم پیش روان‌شناس، ولی هیچ فایده‌ای نداشت، دو ساعت حرف می‌زدی بعد کله‌اش رو تکون می‌داد و می‌گفت خب آدم باید صبور باشه، دو ساعت من حرف زدم جواب من این شد، احساس می‌کنم روان‌شناسه اصلاً هیچ کاری نمی‌کرد».

مریم ۲۹ ساله که پدرش را گروگان برده بودند، در مورد چرایی مراجعه‌شان به فالگیر عنوان کرده است: «دیگه دست آدم وقتی کوتاه می‌شه /می‌ره پیش فالگیر/، وقتی می‌ری پیش پلیس میگه خب هیچی، دعا می‌کنی هیچی، دیگه این جور می‌شه که آدما رو به این کار میارن... دست آدم وقتی از زمین و آسمون کوتاه می‌شه واقعا میره، اونجا /آدم/ نمی‌گه اعتقاد دارم یا ندارم، می‌ره». آیدا ۳۱ ساله در مورد دوستش که برای تنها بودنش مدام سراغ فالگیر می‌رود و دعا می‌گیرد، می‌گوید: «واقعاً تو اون شرایط گیر کنی می‌ری سمت این چیزا، یعنی واقعاً نمی‌تونی از کسی کمک بگیری فکر می‌کنی این تنها راهشه... از آینده یکی زودتر بهت بگه تا آماده باشی واسه آینده».

صفیه ۳۶ ساله که هرچند وقت یکبار به خاطر اختلافات و مشکلاتی که با شوهرش دارد سراغ فالگیر و یا دعانویس می‌رود، در مورد چرایی مراجعه‌ی مجددش می‌گوید: «دوباره رفتم چون /مشکلم/ حل نشد، هنوزم این بحث‌ها /بین من و شوهرم/ بود، زندگیم خیلی داغون بود».

## ب. درماندگی

احساس درماندگی زمانی رخ می‌دهد که فرد در شرایط نامطلوبی قرار می‌گیرد و نمی‌داند برای خروج از آن چه باید بکند. شرایط نامطلوب ناراحتی و فشار زیادی را بر فرد وارد می‌کند. در این شرایط فرد، سرگردان و به دنبال راهی برای خروج از این شرایط است. همچنین نامعلوم

بودن آینده نیز یکی دیگر از مواردی است که فرد را درمانده می‌کند. ناامیدی فرد باعث می‌شود تا به دنبال جایی برای کسب اطمینان و امید باشد.

سلیمه ۴۵ ساله بیان می‌کند که فال را زیاد باور نداشته و در مورد چرایی مراجعه‌اش می‌گوید: «آخه یک مشکلی که رو آدم میاد طاقت نمیاره، هی این در و اون در می‌زنه که یک سر نخ‌ی پیدا کنه».

راضیه ۴۴ ساله که برای دانستن آینده‌ی بچه‌هایش به فالگیر مراجعه کرده می‌گوید: «خب من الان نگران بچه‌هامم، بچه‌هام خوب میشن چی میشن، الانم استرس دارم بچه‌هام خوب بشن نشن، ... بالاخره آدم برای فرزندش نگرانه، نگران آیندش که خوب بشه خراب بشه، پدرش کارگریه...».

مریم ۲۹ ساله در مورد احساسی که هنگام مراجعه به فالگیر داشته می‌گوید: «می‌دونی من این جووری حس کردم وقتی راجع به چیزی می‌خوای بدونی و نمی‌دونی / او هیچ کس هم نمی‌تونه بهت کمک کنه، هی دست می‌ندازی به یه جایی که اون حرفی که تو دلت می‌خواد رو بهت بگه... چون یه روزنه‌ی امیده، می‌دونی، هر کسی امید رو تو یه چیزی می‌بینه دیگه»

شوهر الینا و برادرهایش با هم شرکتی داشته‌اند، اما برادرهایش شراکتشان را با او بهم می‌زنند. الینا در مورد مراجعه به فالگیرش می‌گوید: «فشار قضیه بود، [به خاطر] مشکل شوهرم مجبور شدم، شاید نمی‌رفتم ولی اونقدر تحت فشار بودم دلم می‌سوخت می‌دیدم اون جوش می‌زنه، گفتم ببینم یکی یک کاری کنه بتونه پولاشو پس بگیره هنوز حقیقتش خبری نشده».

### ۵-۱-۳. شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شرایطی است که به مراجعه‌ی افراد سرعت می‌بخشد یا از سرعت آن کم می‌کند. در میدان فال، شرایط مداخله‌گر به صورت دوگانه عمل می‌کند، یعنی هر دو شکل شرایط مداخله‌گر در آن دیده شد. شرایط مداخله‌گر بازنمای شرایط دوگانه‌ی اجتماعی در رویارویی با فال است، عده‌ای فال را مذموم دانسته و سراغ آن نمی‌روند و عده‌ای آن را کارآمد دانسته و سراغش می‌روند. قرار داشتن فرد در میان انسان‌ها، او را در این شرایط دوگانه قرار می‌دهد.



جدول ۴. شرایط مداخله‌گر مراجعه به فالگیر

مفاهیم	کد سطح ۱	مقوله‌ی عمده
همراهی دوستان عدم مخالفت خانواده به اشتراک گذاردن خاطره مناسب بودن هزینه‌ی فال	کاتالیزورهای مراجعه	زینبیا و موانع مراجعه
گران بودن هزینه‌ی فال مخالفت و عدم باور فال توسط خانواده	موانع مراجعه‌ی مجدد	

کاتالیزورهای مراجعه، رفتن فرد سراغ فالگیر را سرعت می‌بخشد و یا زمینه‌هایی را در ذهن فرد ایجاد می‌کند که در صورت بروز مشکلی برای فرد، فال یکی از گزینه‌های مراجعه‌ی فرد باشد. وقتی فرد برای همراهی دوستان در میدان فال حضور می‌یابد یا وقتی اطرافیان خاطره‌ی مراجعه‌شان را تعریف کنند، دیگر قبح فال در ذهن فرد می‌شکند و فرد هم مراجعه به فالگیر را امری ناشایست نمی‌پندارد. اگر خانواده و اطرافیان فرد مخالفتی با فال نداشته باشند و فرد توان مالی پرداخت هزینه را داشته باشد، فرد مانع بیرونی برای مراجعه نمی‌بیند و مراجعه به فالگیر تسریع می‌شود، اما در صورت مخالفت خانواده و گران بودن هزینه‌ی فال، رفتن فرد دشوارتر شده و دفعات کمتری مراجعه می‌کند.

زری ۱۸ ساله اولین باری که سراغ فالگیر رفته، برای همراهی دوستش بوده، در این باره می‌گوید: «دوستم از یکی دیگه شنیده بود و آدرس گرفته بود برا همین می‌خواست من باهاش باشم». ساناز ۲۸ ساله، در پاسخ به پرسشی درباره‌ی موضع خانواده در خصوص رفتن پیش فالگیر این‌گونه اظهار داشته است: «نه اصلاً، شاید تشویق هم می‌کردن که برم [خنده]».

الینا ۲۹ ساله ماجراهای مراجعه‌اش به فالگیر را برای خواهرشوهرش تعریف می‌کند: «خواهرشوهرم مجرده، متولد ۶۱-۶۲، مجرده، براش تعریف کردم رفتم پیش فالگیر، گفت منم دوست دارم، گفتم باشه یه روز با هم می‌ریم».

هدی ۲۴ ساله برای شناخت از فردی که به خواستگاری‌اش آمده، به سراغ فالگیر می‌رود، می‌گوید: «من ۲ ماهی می‌شه که هی می‌خوام برم و پیام نمی‌تونستم، حقیقتش پول نداشتم و اینا، وضع مالی خراب بود دیگه وقت هم نمی‌کردم تا اینکه امروز آجیم گفت برو دیگه، دیگه پول به جورایی گیر آوردم و اومدم».

سلیمه ۴۵ ساله که برای ماجرای شکست عشقی برادرش به فالگیر مراجعه کرده است، نظر مادرش را مانعی برای مراجعه عنوان کرده است: «مادرم الان دیگه مریضه، اون موقع که سرحال بود می‌گفت نری فالگیر، گناهه».

### ۵-۲. باورمندی مشروط-منفعلا نه

باورمندی افراد از دو بخش تشکیل شده است. یک بخش آن تفسیر و توصیف فال است و بخش دیگر آن تفسیر و توصیف سرنوشت. خصیصه‌ی باورمندی مراجعه‌کنندگان به فالگیر، «باورمندی مشروط و منفعلا نه» است.

تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد، مراجعه‌کنندگان به فالگیر سه شرط برای باور پدیده‌ی فال دارند و بدون این شرط‌ها باور آنها نسبت به فال شکل نمی‌گیرد؛ آن سه شرط «فرد»، «دیگران» و «زمان» هستند که باعث می‌شوند باورمندی از شکل ثابت و مطلق خارج شود و در شرایط گوناگون صورت‌های مختلفی به خود بگیرد. قرائت افراد از سرنوشت، در شکل‌دهی باورمندی آنها نقش دارد و تفسیر افراد از سرنوشتشان تفسیری منفعلا نه بود. این انفعال از دو منبع تفسیر منفعلا نه‌ی فردی از سرنوشت و تفسیر منفعلا نه‌ی طولی از سرنوشت ناشی می‌شد. به عبارت دیگر، باورمندی یک پدیده‌ی ترکیبی است که از چند منبع تغذیه می‌شود.

### جدول ۵. باورمندی مشروط - منفعلا نه‌ی زنان مراجعه‌کننده به فالگیر

کد گذاری گزینشی	کد گذاری محوری	کد گذاری باز	
		کد سطح ۱	مفاهیم
باورمندی مشروط و منفعلا نه	باورمندی مشروط	باور مشروط به زمان	<ul style="list-style-type: none"> <li>• باور مشروط به تجربه</li> <li>• به خاطر سپاری موقت فالگیر</li> <li>• باور در لحظه</li> </ul>
		باورمندی مشروط به فرد	<ul style="list-style-type: none"> <li>• باور وابسته به نیت فرد</li> <li>• شگفت‌زده شدن فرد از تجربه‌ی فال</li> </ul>
		باور مشروط به دیگری	<ul style="list-style-type: none"> <li>• باور مشروط به معرفی و تأیید دیگران</li> <li>• همه‌گیری</li> </ul>
	تفسیر منفعلا نه از سرنوشت	تفسیر منفعلا نه-فردی از سرنوشت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نوشته شدن سرنوشت توسط خدا</li> <li>• متفاوت رقم خوردن سرنوشت</li> <li>• عدم امکان تغییر سرنوشت</li> </ul>
		تفسیر منفعلا نه-طولی از سرنوشت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نقش خدا و فرد در سرنوشت</li> <li>• نقش فرد، و قسمت و تقدیر دانستن</li> <li>• اتفاقات زندگی</li> </ul>

## ۵-۲-۱. باور مشروط به زمان

زمان عاملی اثرگذار بر باور افراد است، زیرا باور افراد همیشگی و دائمی نیست در دوره‌ی زمانی خاصی شکل می‌گیرد و در طول زمان دستخوش تغییر می‌شود. فرد با قرار گرفتن در زمان خاصی به باوری دست پیدا می‌کند، اما با گذشت زمان و فاصله گرفتن از تجربه‌ی فال باور شکل گرفته در فرد می‌تواند کم‌رنگ و یا پررنگ شود.

زری ۱۸ ساله در ابتدا فال را باور نداشته و برای همراهی دوستش پیش فالگیر رفته است و فالگیر برای نشان دادن درستی فال، برای او نیز فال می‌گیرد. زری در مورد باوری که نسبت به فال پیدا کرده است، می‌گوید: «من باور نداشتم... بعد یه دفعه که رفتم و دیدم این جوریه و واقعاً اتفاقاتی که گفت افتاد».

مهسا ۳۴ ساله که به دلیل مجردبودنش سراغ فالگیر می‌رفته، در مورد باورش از حرف‌های فالگیر می‌گوید: «هیچی یه چند روزی [از حرف‌های فالگیر] شاد بودم ولی بعدش دیگه یادم رفت». آیدا ۳۱ ساله که سراغ فالگیر جدیدی رفته است در مورد باوری که در همان هنگام مراجعه نسبت به فالگیر پیدا می‌کند، می‌گوید: «خانمه اومد نمی‌تونست راه بره، تو فکر کن اصلاً حالت لنگ لنگان آوردنش، بعد [فالگیر] همچی اومد، وردی خوند و یه ضربه‌ای زد پشت و کمرش، کمرش راست شد رفت، باورت می‌شه؟ خود من همون جا بودم، [خانمه] بلند شد رفت، پاش خوب شد، دیگه هیچی همه اونجا ایمان آوردن به آقائه، خانومه باورش نمی‌شد کلی خوشحال شد و کلی هم پول داد و رفت».

## ۵-۲-۲. باور مشروط به فرد

باورمندی امری شخصی و منوط به فرد است چون بدون وجود فرد، باوری شکل نمی‌گیرد. باورمندی یا حاصل نیت فرد است و باور فرد باعث تحقق حرف فالگیر می‌شود و یا در اثر شگفت‌زده شدن فرد از فال شکل می‌گیرد. مراجعه‌کننده فردی است که باوری در او شکل می‌گیرد و در عملش اثر می‌گذارد. فال، تجربه‌ی جدید و شگفتی‌آور برای فرد است که موجب می‌شود فرد آن را باور کند و دیگر نتواند به راحتی آن را انکار کند. از طرف دیگر، تحقق حرف فالگیر، عامل دیگر اعتقاد فرد بیان می‌شود، در واقع بار دیگر بر اهمیت فرد برای تحقق باورمندی تأکید می‌شود. از الینا ۲۹ ساله، درباره‌ی حسی که از شنیدن حرف‌های فالگیر به او دست می‌داد، می‌گوید: «اصلاً بدنم داغ می‌شد می‌گفتم چقدر جالب می‌گه و اینا، چون خیلی چیزا رو راست می‌گفت بهم». صفیه ۳۶ ساله فال را وابسته به اعتقاد می‌داند: «بستگی به اعتقاد داره، اعتقاد نداشته باشی

اثر نمی‌کنه».

لیلا ۳۵ ساله نیز نیت و اعتقاد فرد را در مراجعه به فالگیر حائز اهمیت می‌داند: «بستگی داره به دلت اگه عقیده داشته باشی، بستگی داره فکر خودت چطوری باشه، اگه جا ملایی بری و عقیده نداشته باشی هیچ کاری نمی‌کنه ولی اگه عقیده کنی اول خدا بعد عقیده کنی / برای ملا می‌بینی جواب می‌ده، فالگیر هم همین جور به بستگی داره به خودت که چه فکری بکنی».

#### ۵-۲-۳. باور مشروط به دیگری

اطرافیان و کسان دیگری که در جامعه زندگی می‌کنند، تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم در باور فرد دارند و زمینه‌ساز مراجعه فرد به فالگیر می‌شوند. همچنین فرد بخشی از توجیه باورمندی‌اش را با یکسان نشان دادن تفکر خود با دیگران نشان می‌دهد و بیان می‌کند که باورمندی و یا کارهایی مثل مراجعه به فالگیر تنها توسط خودشان انجام نمی‌شود و دیگران نیز این کارها را می‌کنند. پس بخشی از باورمندی مشروط به وجود دیگرانی است که فرد را مجاب برای رفتن می‌کنند یا با حضور زیادشان باعث می‌شوند فرد به باورمندی‌اش مشروعیت بدهد.

از سلیمه ۴۵ ساله، در مورد باور داشتن فالگیر گفته است: «بعضیاش رو باور می‌کنم، اگه چند نفر بگن این راست می‌گه باور می‌کنم، بعضی دیگه‌اش نه، خیلی باور ندارم».

مهسا ۳۴ ساله در مورد اینکه چگونه فال را باور کرده و به فالگیر مراجعه کرده است، می‌گوید: «این قدر آخه به آدم میگن این خوبه، این دیگه خیلی درسته، که آدم می‌ره».

زری ۱۸ ساله نیز در مورد باوری که از فالگیر به دست آورده است، می‌گوید: «نگا کن اینی که ما پیشش رفتیم یک سره با گوشیش بود، بعد از شیراز و از تهران و از همه جا بهش پیام می‌دان و باهاش حرف می‌زدن فال غیرحضور بگیری، واقعاً، جلو ما زنگ می‌زدن به زنه».

#### ۵-۲-۴. تفسیر منفعلانه از سرنوشت

نگاه افراد به زندگی و سرنوشت در شیوه‌ی تصمیم‌گیری و عملشان اثرگذار خواهد بود. بیشتر افرادی که به فالگیر مراجعه کرده بودند، تفسیری منفعلانه از سرنوشت داشتند و سرنوشت خود را محو تلقی می‌کردند. باور افراد نسبت به اختیار، انتخاب و کنترل امور زندگی نه بر توانایی انتخاب همه‌جانبه‌ی فرد و نه بر تسلط کامل بر سرنوشتشان اشاره داشت. تفسیر منفعلانه از سرنوشت حاصل دو زاویه نگاه به سرنوشت بود، تفسیر منفعلانه‌ی فردی و تفسیر منفعلانه‌ی طولی.

#### الف. تفسیر منفعلانه فردی

عده‌ای از مراجعه‌کنندگان به فالگیر نگاه منفعلانه‌شان به سرنوشت، فردی بود. آنها سرنوشت را

از پیش نوشته شده و ثابت می‌پنداشتند و آن را در اختیار خود نمی‌دیدند. در واقع این انفعال از درون خود فرد برمی‌خاست و فرد نقش خاصی برای خود در مسیر زندگی قائل نبود و امور فراتر از خودش را مؤثر در سرنوشتش می‌دانست. از نظر آنها سرنوشتشان متفاوت از آن چیزی بوده که می‌خواستند؛ چرا که سرنوشت ثابت است و نمی‌توانند آن را تغییر دهند.

زری ۱۸ ساله در مورد اینکه آیا می‌توان سرنوشت را تغییر داد می‌گوید: «[سرنوشت] تغییر نمی‌کنه به نظرم، هر چیزی که خدا تو تقدیر آدم گفته یه فالگیر نمی‌تونه تغییرش بده». مهسا ۳۴ ساله که از ازدواجش راضی نیست و زندگی‌اش را متفاوت از آنچه باور داشته می‌بیند، در مورد سرنوشت می‌گوید: «سرنوشت همینی که داره می‌گذره که تو [زمان] حال هستیم من اصلاً فکر نمی‌کردم حال من، آینده‌ای باشه که در گذشته فکرشو می‌کردم». صفیه ۳۶ ساله در مورد اینکه آیا می‌تواند زندگی‌اش را عوض کند، می‌گوید: «تقدیر رو که هیچکی نمی‌تونه عوض کنه، نه ملا، نه آخوند، نه قهوه».

#### ب. تفسیر منفعلانه‌ی طولی

برخی از مصاحبه‌شوندگان اختیار و کنترل بر سرنوشتشان را پس از خدا می‌دانستند. آنها در حالی که بخش‌هایی از سرنوشت را ثابت تغییرناپذیر می‌پنداشتند اما برای بخش‌های دیگر سرنوشت نقش خاصی برای خود در تعیین ترسیم نمی‌کردند. این افراد بر این باور بودند سرنوشت در دست خداوند است و اراده و تصمیم آنها در طول اراده‌ی خداوند قرار دارد، حوادث زندگی بخش ثابتی از تقدیرشان است و سهمی برای تغییر در آن نمی‌دیدند.

الینا ۲۹ ساله درباره‌ی امکان تغییر سرنوشت بیان می‌کند: «سرنوشت دست خدائه، من فقط می‌رفتم [چون] از آیندم زودتر عجله داشتم مطلع بشم، ولی سرنوشت من قبلاً خدا نوشته، به نظرم همین بود زندگیم، هیچ تغییری نمی‌کرد، [فالگیرها] کاری به نظر نمی‌تونن انجام بدن بیشتر از خدا، خدا باید بخواد».

مریم ۲۹ ساله درباره‌ی اینکه رفتنش پیش فالگیر تأثیری در سرنوشتش داشته می‌گوید: «یه چیزایی دست خداست واقعاً، دست خود آدم نیست واقعاً، یه آن چشم‌وا می‌کنی می‌بینی که یه چیزایی از قبل هست» و در جای دیگری می‌گوید: «یه سری چیزا دست خود آدمه، من نمی‌دونم چه چیزایی دست خود آدمه، ازدواج رو همه می‌گن قسمته، بعد من حس می‌کنم تو وقتی قراره یه اتفاق برات بیفته، مقدر شده، تو قشنگ به همون [مسیر] حرکت می‌کنی».

آیدا ۳۱ ساله که چندباری برای اینکه بتواند مراجعه کند به فالگیر در مورد باورش از اتفاقات

رخ داده. در زندگی اش می‌گوید: «بعضی وقتا می‌گفتم خب قسمتم همین بوده، من باید این راه رو می‌رفتم تا مسیری دیگه رو هم تو زندگیم بشناسم... می‌گم شاید یک حکمتی داشته تا الان، ناراحت نیستم، خیلی چیزها از دست دادم به‌خصوص از لحاظ روحی و روانی ولی خب».

## ۶- مدل پارادایمی

در پایان و پس از انجام کدگذاری‌ها و شناسایی پدیده‌ی مرکزی، محقق می‌تواند مقوله‌هایی که در اطراف این پدیده‌ی مرکزی قرار دارند را بسازد. این مقوله‌ها در قالب شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای و استراتژی‌ها و پیامدها شناسایی می‌شوند. در مطالعه‌ی حاضر تلاش می‌شود تا این شرایط در قالب مدل پارادایمی به تصویر کشیده شود.

مدل پارادایمی به روشن شدن روابط میان یک پدیده، علل، پیامدها و استراتژی‌هایی که در آن حضور دارند، کمک می‌کند. این پارادایم کدگذاری شده، در حقیقت در خدمت تسهیل، کشف یا ساخت این روابط میان پدیده‌ها، مفاهیم و مقولات است (ایمان، ۱۳۹۳: ۸۱). اصطلاحات پایه‌ای که در مدل پارادایمی استفاده می‌شوند، منطق افراد را در توصیف‌های روزمره‌شان از امور نشان می‌دهند.

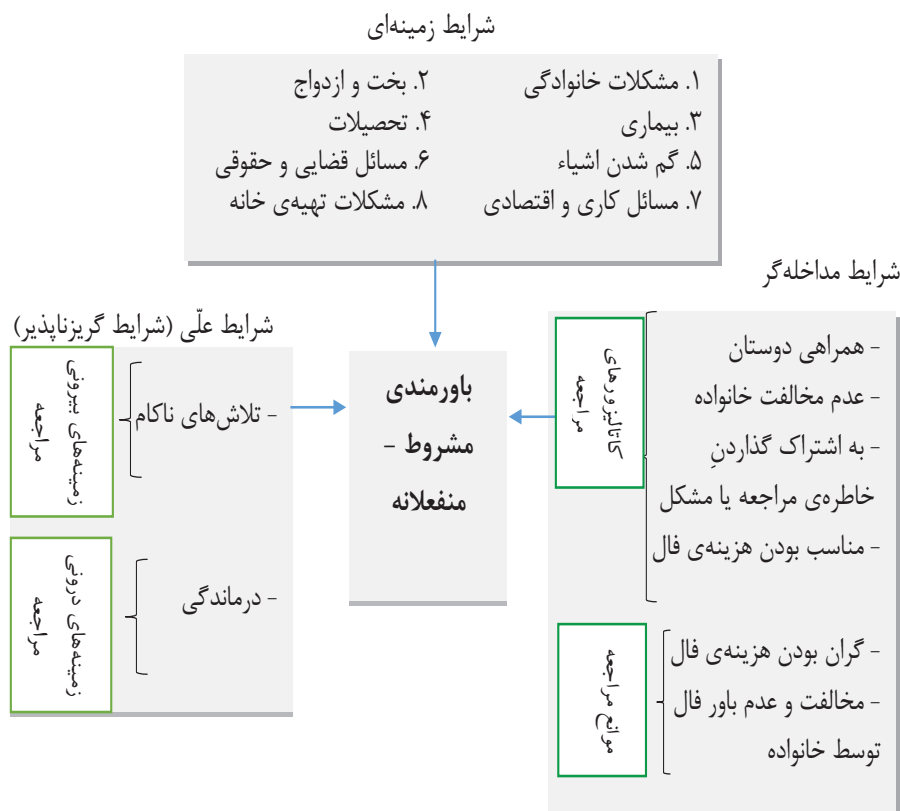
شرایط، عبارت است از مجموعه رویدادها و حوادثی که موقعیت‌ها و مسائل و امور مربوط به یک پدیده را خلق می‌کنند و به سه شکل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر مطرح می‌شوند. شرایط علی<sup>۱</sup> معمولاً آن دسته از رویدادها و وقایع‌اند که در پدیده‌ها اثر می‌گذارند؛ شرایط زمینه‌ای<sup>۲</sup> مجموعه‌ای از شرایط‌اند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند و معمولاً پیش از حضور مشارکت‌کنندگان در میدان وجود داشته‌اند و از پیش موجودند. شرایط مداخله‌گر<sup>۳</sup> می‌توانند اتفاقی و غیرمنتظره باشند و عمل/تعامل فرد را در نسبت با پدیده، تقویت و یا تضعیف کنند. پدیده نیز واژه‌ای است که به پرسش «جریان چیست» پاسخ می‌دهد و نمایاننده‌ی چیزی است که افراد به تنهایی یا جمعی، هنگامی که خود را در موقعیتی می‌یابند، در پاسخ به آن موقعیت بر زبان می‌آورند یا انجام می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۰).

مقوله‌بندی داده‌ها بر اساس پارادایم، مقولات کشف شده را شفاف‌تر کرده و شرایطی که پدیده‌ی ذیل آن شکل گرفته، معرفی می‌کنند. این مدل، تصویری مختصر و مفید از آنچه در

1. causal conditions
2. context conditions
3. intervening conditions

میدان مطالعه می‌گذرد را به محقق نشان می‌دهد. اینکه به‌طور کلی در آنجا چه می‌گذرد و چه روابطی میان اجزای متعدد پدیده بررسی می‌شود در مدل پارادایمی به تصویر کشیده می‌شود.

شکل ۱. مدل پارادایمی مراجعه به فالگیر



این شکل، ارتباط بین مفاهیم و مقوله‌ها را با مقوله‌ی هسته نشان می‌دهد. بر اساس آن می‌توان گفت، عمل مراجعه‌ی کنشگران به فالگیر تحت تأثیر شرایط زندگی و فشاری که این شرایط بر آنها وارد می‌کند، شکل می‌گیرد. این شرایط به سه دسته‌ی زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر تفکیک شده است. شرایط زمینه‌ای شامل ۸ دسته‌ی مختلف است که بحران‌های زندگی افراد را به تصویر می‌کشد؛ این شرایط ارتباط مستقیم و بی‌واسطه‌ای را برای مراجعه فراهم می‌کند و فرد با قرار گرفتن در این شرایط به دنبال رفع آن است. شرایط علی ریشه در زمینه‌های بیرونی و درونی دارد و حاصل تلاش‌های ناکام و درماندگی افراد است که شرایط گریزناپذیری را می‌سازد. شرایط مداخله‌گر زمینه‌های بیرون از فرد را به تصویر می‌کشد که بر افزایش یا کاهش سرعت مراجعه به فالگیر اثر می‌گذارد. این شرایط در زمینه‌های ذهنی افراد نیز اثر می‌گذارند.

انتزاع نهایی انجام شده، به ساخت مقوله‌ی هسته «باورمندی مشروط-منفعلاته» منجر شد. این مقوله خصیصه‌ی اصلی میدان مورد مطالعه را به تصویر می‌کشد که نشان از مطلق نبودن باورمندی افراد دارد، همچنین مراجعه‌کنندگان به فالگیر نگاهی منفعلانه به کنترل سرنوشت و حوادث زندگی‌شان داشتند. در واقع باورمندی امری چند لایه است که بر هم کنش باورمندی افراد با شرایط زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر به میدان فال شکل می‌دهد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فال اگرچه موضوعی تاریخی است، در اعصار و جوامع مختلف وجود داشته است و پایه‌پای انسان‌ها تا زمان حاضر پیش آمده است، اما در سال‌های اخیر به‌عنوان مسئله‌ای فرهنگی و اجتماعی به آن نگاه شده است. این پژوهش تفسیر افراد از فال و زمینه‌های مراجعه به آن را بررسی کرده و هدف آن درک ذهنیت افراد و شناخت زمینه‌های اجتماعی که بستر مراجعه را فراهم می‌کند، است. به نظر می‌رسد، همزمانی دلایل و زمینه‌های بیرونی و درونی باعث مراجعه‌ی فرد به فالگیر می‌شود. شرایط زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر، شروط لازم برای مراجعه به فالگیر است، اما شرط کافی آن نیست. در این شرایط فال معنای ویژه‌ای می‌یابد و به‌عنوان راه‌حل فرض می‌شود و ارتباط مستقیم و بی‌واسطه‌ای را برای مراجعه به فالگیر فراهم می‌کند. مراجعه‌کنندگان به فالگیر با توجه به شرایط خاصی که در آن قرار گرفته‌اند، ناگزیر از مراجعه‌اند. در واقع این شرایط به‌گونه‌ای فرد را تحت فشار قرار می‌دهد که او راه دیگری به‌جز مراجعه نمی‌یابد. از طرف دیگر این شرایط به‌گونه‌ای است که افراد مختلف با متغیرهای زمینه‌ای متفاوت وقتی در آن قرار می‌گیرند، به فالگیر مراجعه می‌کنند. عموماً مراجعه‌کنندگان به فالگیر نتوانسته‌اند با روندهای معمول در جامعه، راه‌حلی برای مشکلی که با آن درگیرند، بیابند و در نتیجه آنها در تلاش برای حل مسئله‌شان، به سوی امتحان راه دیگری چون مراجعه به فالگیر برآمده‌اند.

فرد به واسطه‌ی شرایط زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر می‌تواند وارد میدان فال شود، اما فرایند مراجعه به فالگیر تنها در شرایط بیرون از فرد شکل نمی‌گیرد و این مراجعه زمینه‌های درونی و ذهنی نیز دارد. باورمندی افراد از فال، شرط کافی مراجعه به فالگیر است. فقدان باورمندی، حتی با وجود قرار گرفتن فرد در شرایط گریزناپذیر، باعث مراجعه‌ی فرد به سوی فالگیر نمی‌شود. باورمندی اگرچه امری ذهنی است و در درون فرد وجود دارد، اما مشروط به زمان، فرد و دیگران است. این شروط نشان از اهمیت زمینه‌های بیرونی بر شکل‌گیری باورمندی دارد. دیگران، کسانی هستند که الزاماً فرد آنها را نمی‌شناسد، اما در تجاربش از فال با آنها مواجه شده است؛ انجام



این عمل توسط دیگران، قبح آن را در ذهن فرد می‌شکند و او راحت‌تر به سراغ کسب تجربه‌ی فال می‌رود. زمان عاملی است که باورمندی فرد را سیال می‌کند، باعث می‌شود که باورمندی، مطلق و همیشگی نباشد. بی‌تردید فرد است که باید تحت تأثیر قرار گیرد و باور را درونی کند. باور مراجعه‌کنندگان به فالگیر به پدیده‌ی دیگری به نام سرنوشت نیز گره خورده است. تفسیر مراجعه‌کنندگان به فالگیر از سرنوشت تفسیری منفعلانه بود. در واقع تجربه‌های فرد و ناتوانی‌اش برای حل آن، او را در موضعی منفعلانه قرار داده و موجب شده بود که عواملی خارج از خود را اثرگذار در جریان زندگی‌اش ببیند. عدم کنترل کامل سرنوشت و پنداشتن ثابت‌بودن سرنوشت موجب می‌شد تا افراد برای دانستن آینده به سراغ فالگیر بروند.

این شروط در خدمت شکل‌گیری بخشی از سیستم ذهنی و معنایی فرد در میدان فال است و موجب می‌شود در مقاطع زمانی خاص، با پررنگ شدن شرایط زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر، افراد به واسطه‌ی باورمندی دوباره به سراغ فال بروند. تفسیر و معنای افراد از فال و شرایطی که در آن واقع شده‌اند، آنها را ملزم می‌کند به عملی برای رهایی از آن شرایط دست بزنند. همه‌ی عمل مراجعه‌ی افراد حاصل تصمیم خالص ذهنی آنها نیست و شرایطی که فرد در آن قرار دارد، در تفسیر و معنای افراد اثر می‌گذارد و در نتیجه فرد برای رهایی از حصار این شرایط به سراغ فال می‌رود. در مقایسه با سایر مطالعات انجام‌شده باید اضافه کرد که در پژوهش قادرزاده و غلامی مقوله‌ی فقدان حمایت اجتماعی به سوژه‌ی مطالعه‌ی حاضر نزدیک است. به عبارت ساده‌تر، همان‌گونه که در سندج، فقدان حمایت‌های نهادی، زنان را به چنین سازوکارهایی برای سامان‌بخشیدن به زندگی روزمره سوق می‌دهد، در زاهدان نیز تلاش‌های ناکام زنان و استیصال ایشان در مواجهه با بحران‌ها، فال را به‌عنوان گزینه‌ی پیش روی زنان قرار می‌دهد؛ لذا می‌توان این‌گونه توصیف کرد که ناتوانی زنان در حل مسائل و بحران‌های زندگی یکی از زمینه‌های بروز گرایش به فالگیری در میان زنان زاهدان و سندج است.

همچنین مروری گذرا بر مشخصات مشارکت‌کنندگان این مطالعه گویای این امر است که مراجعه‌کنندگان به فالگیر از همه‌ی گروه‌های سنی و تحصیلی بوده‌اند و این مسئله حاکی از این است که فال در میدان مطالعه، امری فراطبقاتی و فراتحصیلی است؛ چیزی که در پژوهش کیم در کره‌ی جنوبی نیز ادعا شده بود.

کنارهم گذاردن یافته‌های مطالعه‌ی حاضر با دیدگاه جیمز فریزر و آگوست کنت، نشانگر این است که به‌رغم تلقی این متفکران که با پایان‌یافتن مرحله‌ی جادویی و دینی، وارد جهان علم محور می‌شویم، اما وجود و جدیت پدیده‌ی فال در زندگی اجتماعات، گویای این است که جامعه‌ی

ما هم‌زمان جهان‌های متعددی را تجربه می‌کند، سنت، مدرنیته و پست مدرنیته در کنار هم در قلمروها و عرصه‌های مختلف حضور دارند و زیست ما ایرانیان را می‌سازند، اما باور جیمز فریزر مبنی بر اینکه ضعف در مهار و کنترل طبیعت، انسان را به عرصه‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای سوق می‌دهد نیز با شرایط زمینه‌ای افراد برای روی آوردن به فال همگام است. در تأیید ادعای فوق، پژوهش حاضر گویای این امر است که قرار گرفتن در موقعیت‌هایی در زندگی که زنان با استیصال روبه‌رو بوده و در شرایطی گریزناپذیر محصور می‌شوند، آنها را به انتخاب سازوکارهای مبتنی بر فال سوق می‌دهد. بدیهی است هر چه نهادهای اجتماعی در کلیت سیستم، بتوانند کنشگران را در رویدادهای حساس و موقعیت‌های ویژه باری برسانند و حیات آنها را سامان‌مند و پیش‌بینی کنند، گرایش به این باورهای رایج و عامیانه فرو کاسته می‌شود. بالعکس با ضعف نهادهای اجتماعی و فقدان حمایت همه‌جانبه از افراد در جریان زندگی، کنترل امور از توان آنها خارج‌شده و با وقوع اولین بحران‌های زندگی، فال و فالگیری به جای نهادهای عقلانی نشسته و راه‌های برون‌رفت از بحران‌ها را پیش روی افراد قرار می‌دهند.

نیک می‌دانیم که فال و فالگیری علی‌الظاهر فاقد عقلانیت در معنای متعارف هستند، اما مواجهه‌ی از بالا به پایین و اعمال نگاه تجویزی و دستوری برای حذف و کنارگذاری چنین باورهایی نتیجه‌بخش نخواهد بود. مهم‌ترین دلیل این مدعا این است که بسیاری از همین باورها و دانش‌های عامیانه یا عقل سلیم، حیاتی تاریخی و مستقل دارند و یک‌روزه ایجاد نشده‌اند که یک شبه از میان بروند.

## منابع

- ◀ آرون، ریمون، ۱۳۸۶. *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ◀ استرواس، انسلم و جولیت کوربین، ۱۳۹۰. *مبانی پژوهش کیفی*، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، تهران: نی.
- ◀ ایمان، محمدتقی، ۱۳۹۳. *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: حوزه و دانشگاه.
- ◀ باقری حسن‌کیاده، معصومه و مهناز حشمتی. «پیشگویی و طالع‌بینی در متون ایرانی دوره‌ی میانه»، *فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۲، ش ۳، (۱۳۹۳).
- ◀ بیتس، دانیل و فرد پلاگ، ۱۳۸۹. *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ◀ حضرتی صومعه‌زهره. «میزان دینداری زنان دانشجوی و عوامل اجتماعی موثر در آن»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره‌ی نوزدهم، ش ۷۳، (پاییز ۱۳۹۵).
- ◀ رحمانی، جبار. «فرهنگ‌شناسی: میان‌رشتگی و علم انسان‌شناسی»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ۵، ش ۳، (۱۳۹۲).
- ◀ ریوبر، کلود، ۱۳۸۶. *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ترجمه‌ی ناصر فکوهی، تهران: نی.
- ◀ زندیه، عطیه. «شاخه‌ی زرین فریزر و ملاحظات ویتگنشتاین بر آن؛ عمل دینی و نحوه شکل‌گیری آن»، *حکمت و فلسفه*، سال ۳، ش ۴، (۱۳۸۶).
- ◀ سیدمن، استیون، ۱۳۸۶. *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نی.
- ◀ عضدانلو، حمید، ۱۳۸۰. *گفتمان و جامعه*، تهران: نی.
- ◀ فاضلی، نعمت‌الله، اقبال خالدیان و حسین رضائی. «رویکرد فرهنگی به فال‌نامه‌ی مجلات خانواده؛ تحلیل گفتمان صفحه «ماه به ماه با رازهای خوشبختی» مجله‌ی خانواده سبز». *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال ۹، ش ۳۳، (۱۳۹۲).
- ◀ فریزر، جیمز جرج، ۱۳۸۷. *شاخه‌ی زرین؛ پژوهشی در جادو و دین*، ترجمه‌ی کاظم فیروزمند، تهران: آگاه.
- ◀ فکوهی، ناصر. «نگاهی بر رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز با تأکید بر تفسیر او از پدیده دینی»، *نامه‌ی علوم اجتماعی*، ش ۳۱، (۱۳۸۶).
- ◀ قادرزاده، امید و فاطمه غلامی، «تحلیل تجربه‌های زنان سنندجی از فالگیری؛ مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای فالگیری»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۶، پیاپی ۵۸، ش ۲، (۱۳۹۴).
- ◀ قنبری، ندا. «بررسی تحلیلی عنصر پیشگویی در اساطیر ملل»، *پارسه*، سال ۱۵، ش ۲۴، (۱۳۹۴).
- ◀ گیویان، عبدالله. «کلیفورد گیرتز و دیدگاه تفسیری او در باب دین و فرهنگ»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۳، ش ۱۰، (۱۳۸۶).
- ◀ نوذری، حمزه، علیرضا کریمی و معصومه غلامی، «تحلیل گفتمان‌های فالگیری در ایران»، *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال ۶، ش ۱۸، (۱۳۸۹).

◀ همیلتون، ملکم بی، ۱۳۹۴. جامعه‌شناسی دین، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: ثالث.

- Beerden, K. Ancient Greek futures: Diminishing uncertainties by means of divination. *Futures*, 60, (2014).
- Geertz, C. (1966) Religion as a Cultural System, in, Banton, M. (ed.), *Anthropological approaches to the study of Religion*, Tavistock Publications.
- Geertz, C. 1968. *Islam Observed, Religious Development in Morocco and Indonesia*, New Haven, Yale University Press.
- Hamilton, M. "Who believes in astrology? Effect of favorableness of astrologically derived personality descriptions on acceptance of astrology". *Personality and Individual differences*, 31(6), (2001).
- Kemp, S. "Personality in ancient astrology". *New ideas in Psychology*, 6(3), (1988).
- Kim, A. E. "Nonofficial religion in South Korea: Prevalence of fortunetelling and other forms of divination". *Review of Religious Research*, (2005).